

نظریه بازگانی صدق و انکار میلاد امام دوازدهم*

مجتبی سلطانی احمدی^۱

سیدمهدی کریمی شهیدی^۲

چکیده

چندی پیش دکتر سروش "نظریه بازگانی صدق" را در حیطه معرفت‌شناسی مطرح کرد. در این پژوهش نظری متکی بر اسناد و به روش استدلالی و تفسیر محتوا و با در نظر گرفتن این دیدگاه نورسیده که متأثر از خلجان اندیشه غرب از شکاکیت مدرن تا برآمدن دیدگاه پسامدرن است، با نیم نگاهی به ارزیابی و نقد آن، مسئله انکار ولادت امام دوازدهم از سوی مدعی بررسی شده است. فروکاستن مسئله میلاد امام دوازدهم به ایمان صرف در برابر جایگاه علمی آن، نادیده گرفتن تعالیم قرآن و سنت پیامبر خاتم و مورخان و دانشمندان فریقین است. قربانی اصلی این نظریه که توسط آن می‌توان بر فاشیسم هم صحنه گذاشت، هویت "من عاقل" است؛ زیرا صدق تابع تصدیق است و حقیقت اعتباری و توافقی است. مدعی این نظر به عنوان یک اندیشمند مسئولیت‌شناس شایسته است تا اظهار نظر قبلی خود در انکار میلاد را اصلاح نماید، زیرا بازار عقلانیت و تصدیق جامعه اسلامی در زمینه میلاد امام دوازدهم فراتر از جهان شیعه است و براساس این بررسی تنها در حوزه تاریخ به صدق‌زایی ۲۹ اثر مکتوب به صورت عمده غیرشیعی منجر شده است. همچنین بر پایه این نظر هر راه قانع‌کننده‌ای از جمله کاریزما برای کسب معرفت کافی است. دانشمندان بزرگی چون خواجه نصیر یا ملاصدرا... که کاریزمایی جهانی دارند به اثبات وجود امام دوازدهم پرداخته‌اند.

واژگان کلیدی

معرفت‌شناسی، نظریه بازگانی صدق، میلاد امام دوازدهم، کاریزما، شکاکیت مدرن، پسامدرن.

مقدمه

چرخش معرفت‌شناسی در فلسفه غرب، انعکاس عمیقی در اندیشه پیشران جریان روشنفکری دینی ایران؛ دکتر عبدالکریم سروش داشته است. وی در ۸ بهمن ۱۴۰۱ میلادی با حضور در شبکه اجتماعی کلاب هاوس از حقیقت و روش سخن گفت و "نظریه بازگانی صدق"

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۳۰

۱. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه پیام نور تهران، ایران (msoltani94@pnu.ac.ir).

۲. کارشناس ارشد تاریخ تشیع دانشگاه پیام نور تهران جنوب، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (smk.shahidi@gmail.com).

را مطرح کرد. در این مقاله سعی شده تا بر پایه این دیدگاه نورسیده در حیطه نظریه‌های صدق، با نیم‌نگاهی به ارزیابی و نقد آن، مسئله انکار ولادت امام دوازدهم از سوی دکتر سروش را بررسی نمائیم.

عبدالکریم سروش (زاده ۱۳۲۴ شمسی در تهران) که در ادامه از وی با عنوان پیشران (جریان روشنفکری دینی ایران معاصر) یاد خواهد شد؛ فیلسوفی دانش‌آموخته سطوح عالی رشته‌های علوم انسانی غیردینی غرب و معارف دینی، در اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی، توجه هزاران نفر را به سخنرانی‌های خود جلب کرد. وی از نوعی اسلام رفرمیستی^۱ یا اصلاحی دفاع می‌کند که فراتر از نظر اکثر متفکران مسلمان لیبرال^۲ قرن بیستم است. به نظر وی جستجوی آشتی بین اسلام و دموکراسی صرف یافتن عبارات مناسب در قرآن موافق با علم جدید، دموکراسی^۳ یا حقوق بشر نیست. او با تکیه بر آثار کانت،^۴ هگل،^۵ پوپر^۶ و فروم^۷ خواستار بررسی مجدد همه اصول اسلام است. (Adam Zeidan, 2023) پیشران به انتخاب مجله تایم در سال ۲۰۰۵ جزء فهرست صد چهره تأثیرگذار جهان بوده است (BBC, 2005).

این فیلسوف، نویسنده و مترجم پرکار در آستانه هشتاد سالگی هنوز با سری پرشور سخن می‌راند، می‌نویسد و نظریه‌پردازی می‌کند و ابایی از زدن زیر میز نظریه‌های سابق خود هم ندارد. گفتارهایی که پیشتر با طرح آنها نقدهای گزنده‌ای علیه آموزه‌های دینی ترتیب داده بود.

پیشران چندی پیش طی سلسله نشست‌هایی در دانشگاه جرج واشنگتن امریکا، به اندیشه اقبال پرداخت. او در ابتدای سخنرانی روز یکشنبه دوم تیر ۱۳۹۲ با اشاره به مراجعه به تقویم اعلام می‌دارد که روز نیمه شعبان است؛ لذا موضوع سخن خود در باره "خاتمیت پیامبر از دیدگاه اقبال" را به موضوع "اقبال و مهدویت" با محوریت میلاد امام دوازدهم تغییر می‌دهد! و با صراحت کامل این تولد را از منظر شواهد تاریخی انکار می‌کند. وی در تبیین این ادعا از سخنان اقبال لاهوری نیز مدد می‌جوید (سروش، ۲۰۱۶، ب).

در پیشینه جریان روشنفکری دینی معاصر ایران یعنی در اندیشه پدران این جریان که پیشران به تناوب خویشتن را وام دار تفکر آنها می‌داند؛ راه دیگری در این زمینه طی شده

1 Reformist Islam
2 Liberal Muslim
3 Democracy
4 Emmanuel Kant
5 Georg Wilhelm Friedrich Hegel
6 Karl Popper
7 Erich Fromm

است. شاخص‌ترین اندیشمندان نسل اول این جریان، مهندس مهدی بازرگان و دکتر علی شریعتی؛ نه تنها منکر میلاد امام دوازدهم نبودند، بلکه در این باره آثاری نیز نگاشته‌اند (بازرگان، بی‌تا؛ شریعتی، ۱۳۸۷). اما در میان نسل دوم این جریان، افرادی به چشم می‌خورند که به نوعی این انکار را مطرح کرده‌اند. شاخص‌ترین فرد در این میان همانا پیشران است. وی در این رابطه می‌گوید:

اگر کسی به چنین چیزی (امام زمان) رسید که واقعیت دارد، ایمان می‌آورد؛ اگر نرسید که سکوت می‌کند، اظهار نظر نمی‌کند و آن هم مقبول خداوند است. قصه امام زمان یک قصه اعتقادی است، وقتی می‌گوییم اعتقادی یعنی ما به لحاظ تاریخی قدرت اثبات آن را نداریم. آن طوری که موجودیت یک کسی، مثل پیامبر اسلام به لحاظ تاریخی محرز است؛ یعنی مسلمان و نامسلمان وقتی به شواهد تاریخی مراجعه می‌کند، درمی‌یابد که چنین کسی آمده و چنان آثاری از خود به جای گذاشته و از دنیا رفته است، هیچ کسی شکی ندارد. به لحاظ تاریخی مسلمان باشد یا نباشد، شیعه باشد یا نباشد. در مورد امام اول هم همین طور است. در مورد امام ششم شیعیان، امام جعفر صادق هم همین طور است. اما به امام دوازدهم که شما می‌رسید، تاریخ بسیار تاریک است. یعنی جز این که شما از پیش به چنین چیزی اعتقاد داشته باشید، نمی‌توانید با شواهد تاریخی اثبات کنید که چنین کسی به دنیا آمده، چنین کسی چند سال زیسته، چنین کسی غائب شده، ما چنین شواهد تاریخی نداریم (سروش، ۲۰۱۶، ب).

فرو کاستن بعدی از ابعاد وجودی امام دوازدهم شیعیان به ایمان صرف در برابر جایگاه علمی و عقلی، حداقل ناشی از عدم اطلاع نسبت به تلاش‌های علمی مورخان و دانشمندان شیعه و سنی در این رابطه است (کریمی شهیدی، سلطانی احمدی، ۱۴۰۱ ش: ۷-۳۲ ب). البته نادیده گرفتن این تلاش‌ها و عدم توجه به آن نیز احتمال دیگر است. پر واضح است که از مبنایی‌ترین تعالیم مطرح در یک خانواده شیعه دوازده امامی، وجوب معرفت امام در هر زمان است. معرفتی که اگر حاصل نشود عمر تباه شده و مرگ جاهلی ثمره این بی‌معرفتی است:

من مات و لم یعرف إمام زمانه مات میتة جاهلیة (ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق، ج ۲، ۴۰۹).
این حدیث در منابع اهل سنت هم نقل شده است، لذا برای آنها هم معنای واضحی دارد (تفتازانی، ۱۴۰۹ ق: ج ۵، ۲۳۹). از نظر تعالیم دینی بی‌اهمیت‌انگاری این آموزه که بلندای آن به بیش از ده قرن می‌رسد و بخشی از جهان اهل سنت را هم در بر می‌گیرد؛ جایز نیست. این جستجو برای شناخت، از تاریخ حضور امامان دوازده‌گانه شروع می‌شود و در پس غروب

این عصر با چالش غیبت و امید ظهور به انتظار می‌نشیند. غروبی که تاریکی مطلق نیست، بلکه بسان خورشیدی تصویر شده که پشت ابرها نورافشانی می‌کند:

أما وجه الانتفاع بي في غيبي فكالانتفاع بالشمس إذا غيبتها عن الأبصار السحاب (ابن بابويه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۸۲).

معارف شیعه در پیروی از حدیث ثقلین که شیعه و سنی به طور گسترده آن را نقل کرده‌اند، بر پایه کتاب الهی و عترت نبی اکرم سامان یافته است. در یکی از صحیحین اهل سنت چنین آمده است:

و أنا تارك فيكم ثقلين، أولهما كتاب الله فيه الهدى والنور فخذوا بكتاب الله و استمسكوا به فحث على كتاب الله و رغب فيه، ثم قال: وأهل بيتي أذكركم الله في أهل بيتي، أذكركم الله في أهل بيتي، أذكركم الله في أهل بيتي (مسلم، ۱۳۷۴ش: ج ۴، ۱۸۷۳).

در مذهب شیعه، عقل و علم نقش محوری در مسئله معرفت را به دوش می‌کشند. براساس این تعالیم راه عقل بسته نمی‌شود تا راه ایمان باز شود؛ چون عبادت بی تعقل کالایی کم‌بها به شمار می‌آید و باریک بینی الهی در دنیا و حساب و کتاب روز قیامت هم به اندازه عقل موهبتی در دنیا است:

إنما أئيبه على قدر عقله (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۱، ۱۲).

و:

وإنما يداق الله العباد في الحساب يوم القيامة على قدر ما آتاهم من العقول في الدنيا (همان: ج ۱، ۱۱).

اما قصه نامیدن امام دوازدهم قبل از جستجو در میان شواهد تاریخی و تاریک خواندن تاریخ در این برهه زمانی، خود حکایت از رویکردی غیرعلمی و نوعی پیش داوری است. در ادامه بیانات سراسر شکاکانه پیشران، ابهامات وی به مسئله دیرزستی و غیبت امام دوازدهم نیز بسط می‌یابد.

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر انکار میلاد امام دوازدهم از سوی پیشران جریان روشنفکری دینی و عناصر اندک وابسته به این جریان، پژوهش‌های چندی را به شکل مقاله و پایان‌نامه در پی داشته است:

«تحلیلی در باره احادیث غیبت در کتاب *الغیبه* نعمانی» در این مقاله تولد ایده امام غایب در

دوران حیرت با توجه به تواتر معنوی احادیث غیبت امام دوازدهم این دیدگاه نقد شده است (قاضی زاده، مختاری، ۱۳۸۶ ش: ۱۹۳-۲۱۹) «نقد دیدگاه روشنفکران شیعی معاصر در باره ویژگی های امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با تأکید بر آیات و روایات»، برخی از روشنفکران معاصر با نفی ویژگی های اساسی امام مهدی و غیرقابل اثبات دانستن تولد امام دوازدهم از لحاظ تاریخی، تکوین اندیشه غیبت را ناشی از نارضایتی عمومی اقلیت شیعه قلمداد نموده اند. رویکرد این مقاله روایی است و بر این اساس به نقد دیدگاه جریان روشنفکری دینی پرداخته است (پنبه‌پز، ۱۳۹۶). درباره نگاه به موضوع مهدویت از دریچه مباحث معرفت‌شناسی غرب می‌توان به مقاله بررسی و نقد دیدگاه نسل دوم جریان روشنفکری دینی ایران در انکار میلاد امام دوازدهم با تکیه بر گزاره‌های تحلیلی فلسفه علم تاریخ اشاره کرد (کریمی شهیدی، سلطانی احمدی، ۱۴۰۱ ش: ۲۵۵-۲۷۲، الف).

چارچوب‌های نظری

با در نظر گرفتن رویکرد تاریخ‌اندیشه‌ای، انعکاس‌تطور تفکر غرب خصوصاً در حوزه معرفت‌شناسی از مدرنیته تا پسامدرن در تفکر پیشران جریان روشنفکری دینی را مرور می‌کنیم. بررسی و تأمل در نظریه جدید پیشران در حوزه حقیقت و روش و نقد ادعای انکار میلاد امام دوازدهم بر پایه آن مورد نظر نهایی است. عبور از نظریه‌های متداول صدق خصوصاً نظریه صدق تطابقی و نزدیک شدن به تئوری‌های پسامدرن، ایده آلیزم و البته تئوری‌های حقیقت‌جویی در قدرت فلاسفه قاره‌ای خصوصاً نیچه،^۱ فوکو^۲ و تا حدودی هایدیگر^۳ و نظریه‌های فیلسوفان پراگماتیستی^۴ چون پییرس^۵ و رورتی^۶ و فروکاستن معرفت به توافق به نام عقلانیت و کاربست تئوری قدرت میدان غور و نظر خواهد بود.

روش تحقیق

در این پژوهش با رویکرد تاریخ‌اندیشه و با جمع‌آوری منابع و اسناد کتابخانه‌ای و سطوح مشابه آن به روش تحلیل و تفسیر محتوا در جهت دستیابی به اهداف پژوهش اقدام شده است. رویکرد تاریخ‌تفکر با محوریت بررسی آثار و اقوال پیشران جریان روشنفکری معاصر ایران

1 Friedrich Nietzsche
2 Michel Foucault
3 Martin Heidegger
4 Pragmatist
5 Charles Sanders Peirce
6 Richard Rorty

که متأثر از آموزه‌های سکولار مدرنیته و پسامدرن غرب است و اساس نقد اندیشه‌های دینی را برای وی فراهم می‌آورد، راه را برای تحقیق و تطبیق آراء و تحلیل و تفسیر در این رابطه می‌گشاید.

الف) باور پیشران به تعالیم عرفی غرب بسیار عمیق است

آن چنان که به نظر وی باید عینک مدرنیسم^۱ را به چشم زد و همه چیز را با آن دید. در این رویکرد علم و فن‌آوری؛ معشوق‌های جدید و دلربایی هستند که دل، ذهن و چشم را پر کرده‌اند و پیروی از آن تقدیر تاریخی انگاشته می‌شود (سروش، ۲۰۱۸). البته در میان سخنان پیشران، انتقادهای گزنده‌ای نسبت به علوم غرب نیز وجود دارد که با سرسپردگی یاد شده به گونه‌ای در تضاد است. گویا در سال‌های اخیر کشتی اندیشه وی در ساحل تفکر پسامدرن^۲ به گل نشسته است (سروش، ۲۰۱۹).

پست مدرنیست‌ها ادعا دارند که در آستانه ورود به هزاره سوم وضعیت چنین است که ما موقعیت خود را از دست داده‌ایم، سردرگم شده‌ایم و بنیادهای تئولوژیکی و متافیزیکی فرهنگ ما فرو ریخته است. کلان روایت‌های ما دیگر معنا و مفهومی ندارد، ارزش‌ها تضعیف و تحقیر شده‌اند و کل زندگی ما و از جمله زندگی عمومی در تاریخ به هیچ وجه معنایی ندارد (استنفورد، ۱۳۹۶ش: ۷۴-۷۷).

ریچارد رورتی فیلسوف امریکایی بر آن است که در قرون وسطی خدا، خدا بود؛ آن‌گاه در دوران روشنفکری و مدرنیسم عقل، خدا شد و در این زمانه، یعنی دوران پست مدرن، هیچ خدایی وجود ندارد. از نظر پیشران نواندیشی دینی این سخن، بهره بزرگی از حقیقت دارد. بت عقل یا خدای عقل امروز شکسته است و واژه عزیز خرد که روزی فاخرترین و مقدس‌ترین واژه‌ها بود، امروز جز معنایی مشکوک و مبهم افاده نمی‌کند. عقل ارسطویی، عقل دکارتی، عقل کانتی، عقل هگلی، عقل دینی، عقل تاریخی، عقل دیالکتیکی، عقل نظری، عقل عملی و... دیگر انقسامات خرد و درشت، آئینه عقل را چنان در هم شکسته‌اند و تکه تکه کرده‌اند که در آن هیچ صورت سالمی دیده نمی‌شود و بشریت در این زمانه به پلورالیسم و رلاتیویسم رسیده است که باید آن را به فال نیک گرفت (سروش، ۲۰۱۹).

اما استنفورد فیلسوف برجسته تاریخ نظر متفاوتی دارد. بر پایه نظر وی تاریخ عریض شکاکیت در اندیشه غرب متأثر از تاریخ معرفت‌شناسی آن است و شکاکانی چون راسل بار اول

1 Modernism
2 Postmodern

نیست که شناخت ما از گذشته و در واقع وجود گذشته را مورد تردید قرار داده‌اند. مورخین باید از پست مدرنیته نگران باشند؛ البته نه به دلیل واقعیت داشتن آن، بلکه به این دلیل که اگر از آن جلوگیری نکنیم، واقعیت خواهد یافت (استنفورد، ۱۳۹۶ش: ۱۱۳۹-۱۱۴۵).

با این عینک مفتونی در برابر اندیشه و اندیشمندان غرب که خود مملو از خلجان و اعوجاج است، سرنوشت پرداختن به موضوعات دینی از پیش مشخص می‌باشد. اما نکته مهم داوری‌های مختلف و گاهی متضاد براساس تغییر نگرش معرفت‌شناسانه است که توجیهات قبلی در نقد معارف دینی را بی‌اثر و بی‌معنا می‌سازد. این جاست که باید مسئولیت‌پذیری اندیشمند را در پیشینه تفکرات خویش به نظاره نشست.

ب) پیشران جریان روشنفکری و ارائه نظریه بازگانی صدق در حوزه معرفت‌شناسی

پیشران به تازگی با ارائه دیدگاهی رادیکال در پهنه نظریه‌های صدق، با صراحت کامل خط بطلانی بر بسیاری از گفته‌ها و نوشته‌های پیشین خویش کشید. وی در این چرخش فلسفی - معرفتی متأثر از اندیشه پسامدرن است که بسته و گریخته در سخنان خود این حقیقت را به زبان می‌آورد. دیگران هم در گفتگو با وی گوشزد می‌کنند که این دیدگاه فکری در میان سخنان اندیشمندان پسامدرن غرب موجود است. به دلیل این که از زمان طرح این نظر در بهمن ۱۴۰۱ چند ماه بیشتر نمی‌گذرد، نقدهای مطرح شده بر علیه آن بیشتر در هویت فضاهای مجازی قابل جستجو است.

پیشران در این نظر برآن است که همانند حسن و قبح در اخلاق که فقط تابع مدح و ذم عقلاست، در علم هم صدق و کذب فقط حاصل تصدیق و تکذیب عقلاست. براساس این نظر تصدیق تابع صدق نیست، بلکه صدق تابع تصدیق است. به عبارت دیگر وقتی گزاره‌ای را تصدیق کنیم آن گاه صادق و وقتی تکذیب کنیم آن گاه کاذب می‌شود. به تعبیر دیگر حقیقت، نه تنها حقیقی نیست بلکه اعتباری است و چیزی جز توافق علما نمی‌باشد. این حقیقت اعتباری هم می‌تواند در طول زمان عوض شود و حتی به فاشیسم^۱ منجر گردد! پیشران بر آن است که به دیدگاه فکری پسامدرن و نوعی ایده‌آلیسم نزدیک شده و دیگر علت و دلیل را یکی می‌داند. از نظر وی، قدرت نقشی اساسی در رسیدن به حقیقت اعتباری دارد. به بیان دیگر قدرت، خالق حقیقت است! (سروش، ۲۰۲۳، الف) در همین گفتگو یکی از شنوندگان با شنیدن صدای پرندگان از منزل پیشران یا اطراف آن به مزاح می‌گوید که این نظر جدید صدای مرغان

1 Fascism

منزل وی را هم درآورده است.

پیشران به عقلانیت قائل است و نظریه خود را نظریه بازاری یا بازرگانی صدق می‌نامد. در این بینش عقلا از پیش چیزی را باور نمی‌کنند بلکه ابتدا باید نظر در بازار حقیقت فروشان بررسی شود. این بازار است که قیمت کالای حقیقت را تعیین می‌کند و قانون عرضه و تقاضا بر آن حکم می‌راند! به باور پیشران، علم نیز عینا چنین است و توافق بازار عقلا معیار نهایی است. از نظر وی معنا چیزی نیست جز آنچه عقلا یا عقل سیال جمعی می‌گویند. به عبارت دیگر معنا هم تصدیق عقلاست، البته عقلا گروه برگزیده یا الیت^۱ جامعه نیستند بلکه همه افراد معمولی عاقل جامعه نیز در این جمع قرار می‌گیرند. پیشران مدعی تغییر ملاک صدق و کذب است یعنی همان طور که در متن، عقلانیت معنا بخش است، در اخلاق هم عقلا حسن و قبح را معنا می‌بخشند، در فلسفه و علم هم چنین است. به باور وی عمده قانع شدن است و در این راه هدف وسیله را توجیه می‌کند، یعنی از هر راهی که فردی قانع بشود صدق همان است و در کسب معرفت روش عوام و خواص نداریم. این اقناع می‌تواند از راه‌های هم عرض چون برهان، جدل، تمثیل و یا حتی یک بیت شعر حاصل شود. به باور پیشران در این دیدگاه جدید با بهره‌گیری از اندیشه فوکو، قدرت هم مولد صدق است و چه بسا دوره‌هایی از علم سپری شده و ما تازه فهمیده‌ایم چه اباطیلی را علم می‌پنداشته‌ایم و با تغییر پارادایم و قدرت، مفاهیم دیگری صادق انگاشته شده‌اند. حتی کاریزما^۲ (آقا فرموده‌اند) و خرافات که هر دو از جنس قدرت می‌باشند برای کسب معرفت کافی می‌باشند. پیشران با به میان آوردن سخن کانت و کوفتن دائم بر طبل شکاکیت در اندیشه‌ورزی خود از شرمندگی شناخت جهان خارج می‌گوید. از نظر وی حتی اثبات جهان خارج توافق عقلاست. به نظر پیشران در زمینه اعتقادات دینی هم معیار صدق توافق عقلاست. روح شکاکیت در این سخن موج می‌زند. به باور وی اگر کسی استدلال کند چشمت را باز کن تا جهان خارج را ببینی یا گوش بده تا صدای جهان را بشنوی باید به او بگوئیم به چه دلیل چشم و گوش‌های من وجود دارند، از این دیوار (شکاکیت) نمی‌توان گذشت! (سروش، ۲۰۲۳، ب)

ج) نقد و نظری بر اندیشه بازرگانی صدق

گرچه این نظریه در میان تفکرات پسامدرن مطرح بوده است؛ اما به هر حال در میان اندیشه‌های رنگارنگ پیشران، جدید به حساب می‌آید. به راستی باید از اندیشه‌هایی که با

1 Elite
2 Charisma

پذیرش رویکرد پسامدرن پا به عرصه وجود می‌گذارند، ترسید. مؤلفه‌های این پارادایم ویران‌کننده پایه‌های علوم طبیعی و انسانی است. از سوی دیگر به میان کشیدن عناصری چون قدرت، دامن علوم را به اندیشه‌های خانمان‌سوزی چون فاشیسم آلوده می‌سازد. این پایان تلخ در حوزه اندیشه، دامن پیشران نواندیشی دینی را هم گرفته است.

هدف اصلی این پژوهش نقد نظریه بازگانی صدق نیست؛ بلکه به دنبال بررسی میلاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف براساس فرض مذکور است. اما نمی‌توان از این حقیقت گذشت که نظریه فوق در همان ابتدای امر پیشینه علمی و معرفتی پیشران و آثار قلمی و شفاهی وی را قربانی می‌کند. اما مهم‌تر از آن خط و نشان‌ها و انکارهایی است که مدعی نظریه بازگانی صدق پیشتر با رویکرد شکاکانه مبتنی بر مدرنیته، بر بسیاری از معارف اصیل اسلامی کشیده است.

"من عاقل" قربانی دست بسته نظریه بازگانی صدق

نقطه قوت و در عین حال ضعف اصلی نظریه بازگانی صدق، عقل و چیستی آن است که پاشنه آشیل این نظریه می‌باشد. تأکید نخست بر عقل هر شنونده‌ای را به تواضع و امانت می‌دارد چرا که چنین به نظر می‌رسد داور نیکویی به میدان آمده که باید به آن اهمیت داد. اما گویا این عقل بدمستی هم دارد. همان گوهر ناب که میانداری آن هر انسانی را به خضوع و امانت دارد، گاهی به حیوانی درنده‌ای تبدیل می‌شود که شکم پاره می‌کند. کاش این گوهر را ترازو و آینه نمی‌خواندیم و به بازار یوسف فروشی نمی‌بردیم و با آن بازگانی نمی‌کردیم؟! بازاری که نامش صدق است، اما هر از گاهی توسط راهزنانی عاقل و صدق‌پرور! چپاول می‌شود و با اهرم قدرت به کالای ناب این بازار تبدیل گردیده و بر عرش می‌نشینند. گوهری که در انباشش فاشیسم، اردوگاه آشویتس، مارکسیسم و... هم یافت می‌شود. این عقل دقیقاً چیست که با سرنیزه راهش به بازار صدق کج شده است؟

به بازار صدق فروشی فاشیست‌ها رفته قدمی می‌زنیم تا سرنوشت "من" را در آن ببینیم. براساس این دیدگاه فردیت فاشیسم، فردیتی ملی و سرزمینی است. زندگی که من و علائق شخصی آن قربانی ارزشی روحانی شده‌ای به نام اشتراکیت می‌شود (Encyclopedia Italiana, 1923). فاشیسم ارمغان عقل نیست، بلکه سوغات ایدئولوژی‌های خودخواه نظامی‌گرایانه^۱، تمامیت‌خواهانه^۲ و عوام‌گرایانه^۳ است- Philosophybasics.fascism, 2008

1 Militaristic

2 Totalitarianistic

3 Populistic

(2023).

در این بازار به حساب عقل اما به پای "من" کدویی فاشیسم نام می‌بندند. این اقدام یادآور حکایت فردی است که در شهری شلوغ کدویی به پای خویش بست تا گم نشود. عطار در مصیبت‌نامه این داستان را چنین به نظم درآورده است:

روستائی بشهر مرو رفت در میان مسجد جامع بخفت

بود بر پایش کدوئی بسته چست تا نگردد گم در آن شهر از نخست

دیگری آن باز کرد از پای او بست بر پا خفت بر بالای او

مرد چون بیدار شد دل خسته دید کاین کدو بر پای آن کس بسته

در تحیر آمد و سرگشته شد گفت یا رب روستائی گم گشته شد

ای خدا گر او منم پس من چه ام و ر منست او او نگوید من کیم؟

در میان نفی و اثباتم مدام نه بمن شد کار و نه بی من تمام

در میان این و آن درمانده ام در یقین و در گمان درمانده ام

(عطار، ۱۳۸۸ش: ۳۱۶)

جابه‌جایی کدوهای مختلف اندیشه در غروب خستگی اندیشه‌ورزی پسامدرن بسیار ترسناک است. شاید پیشران به همین دلیل عارفان را برندگان تاریخ می‌دانند که به خوشگذرانی درونی مشغولند! (سروش، ۲۰۱۶ ج ۵ و ۲۰۱۷ د)

اندیشمند مسئولیت‌شناس و لزوم نگاه به پیشینه فکری

هر دانشمند مسئولیت‌پذیری بعد از اصلاح یا تغییر دیدگاه فکری باید به پشت خود بنگرد و راهی را که در گذشته طی کرده مجدداً بررسی نماید. وی موظف است مبانی فکری قبلی خود را که براساس آن حرف‌هایی زده و یا نوشته‌هایی ثبت کرده دو مرتبه بازبینی و جبران نماید.

یکی از مستشرقان گزنده‌گو که با تکیه بر اعتماد به نفس افراطی همه منابع مکتوب مسلمانان مربوط به صدر اسلام را یکسره غیرتاریخی، سست و نپذیرفتنی می‌خواند با تکیه به اشاره مبهم منبعی مسیحی مربوط به قرن هفتم مدعی شده بود که پیامبر اسلام ﷺ در دوره فتوحات زنده بوده است! وی چندی بعد در پاورقی مختصر بر کتابی دیگر تغییر نظر خود در این رابطه را اعلام می‌کند. یکی از تاریخ‌دانان برجسته در نقد این تغییر موضع آن هم در پاورقی وی را این چنین مورد نقد تند خویش قرار می‌دهد:

... تاریخ‌نگاران مسئولیت‌شناس وقتی از نظر خلاف مشهورشان عدول می‌کنند در پستوی پاورقی روی آن خاک نمی‌پاشند، بلکه مسئولیت دارند که با صراحت به اشتباه خود اعتراف کنند و اعلام نمایند که این ادعا چه تأثیری بر سایر ادعاهای وی داشته است... (کمالی، ۲۰۲۳).

پیشتر در پژوهش دیگری انکار میلاد امام دوازدهم در حوزه معرفت‌شناسی مدرن و مباحث فلسفه عملی تاریخ مورد بررسی و نقد قرار گرفت (کریمی شهیدی، سلطانی احمدی، ۱۴۰۱ ش: ۷-۳۲). شایسته است که پیشران در پهنه معرفت‌شناسی با عینک مدرنیسم و چه با طرح نظریه جدید صدق در زمینه دیدگاه سردرگم پسامدرن با مسئولیت‌شناسی علمی انکار میلاد امام دوازدهم را مورد تجدیدنظر قرار دهد و به خطای خود در این اظهارنظر عجولانه اعتراف نماید.

نقد انکار ادله تاریخی میلاد امام دوازدهم براساس نظریه جدید صدق

پیشران در پهنه نظریه‌های صدق به عقلانیت قائل است. وی در نظریه بازاری یا باززرگانی صدق بر آن است که باید هر سخنی که به عنوان علم به میان می‌آید، در بازار حقیقت فروشان بررسی شود. این بازار است که قیمت را تعیین می‌کند و قانون عرضه و تقاضا بر آن حکم می‌راند و توافق بازار عقلا معیار نهایی است.

الف) از نیمه دوم قرن سوم هجری

یعنی پنج سال قبل از ولادت امام دوازدهم تاکنون، بیش از دو هزار جلد کتاب، رساله و مقاله به زبان‌های عربی، فارسی، اردو، ترکی استانبولی، تایلندی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و دیگر زبان‌های مناطق مسلمان‌نشین به قلم علما و دانشمندان شیعه و سنی در رابطه با امام دوازدهم تالیف یا ترجمه شده است (فقیه ایمانی، ۱۳۷۶).

در میان دانشمندان اهل سنت گروهی به منصفه ظهور رسیده‌اند که به تاریخ زندگی دوازده امام شیعه پرداخته‌اند. در گفتاری با عنوان "آثار عربی و فارسی سنیان دوازده امامی" ۱۸ اثر از علمای اهل سنت در شرح حال زندگی دوازده امام جمع‌آوری شده است. به عبارت دیگر بزرگانی از اهل سنت، کتبی در شرح زندگی دوازده امام نوشته‌اند، که از این افراد با عنوان "سنی دوازده امامی" یاد می‌شود. از آن جمله: مجمل التواریخ و القصص از ابن شادی، تذکره الخواص از ابن الجوزی، مطالب السؤل از ابن طلحه شافعی، معالم العترة النبویة از ابن اخضر گنابادی، نزهة القلوب از حمدالله مستوفی، الفصول المهمة از ابن صباغ مالکی، الشذرات الذهبیة از ابن

طولون، فصل الخطاب از خواجه محمد پارسا، روضات الجنان و الصواعق المحرقة از ابن حجر هیتمی... (جعفریان، ۱۳۷۶ش: ۲۴۷-۲۵۰). آیا پیشران از آدرس این بازار حقیقت‌فروشی که گوشه‌ای از تاریخ فرهنگی اسلام را در برگرفته آگاهی دارد؟

از قرن سوم هجری پژوهش‌های تاریخی به مرحله‌ای رسید که مورخان بزرگ ظهور کردند و در آثار خود به تاریخ اسلام به مثابه سلسله حوادثی پیوسته نظر کردند. از نیمه دوم همین قرن و دوران غیبت صغری، ادله ولادت امام دوازدهم در آثار تاریخی به چشم می‌خورد. در ادامه بیست و نه اثر تاریخی و علوم مربوط با آن با محوریت منابع اهل سنت و غیرشیعه اثنی عشری ارائه می‌گردد. به صورت عمده مکاتب تاریخ نگاری عراق و شام، ایران، مغرب و اندلس و دوره عثمانی این گزارش‌ها را آورده‌اند. یکی از دلایل بروز این رویکرد تغییر تدریجی پیامدهای سیاسی حوادث صدر اسلام از جمله شکل‌گیری مکتب خلافت پس از کودتای سقیفه است. کم‌کم پاره‌ای از اخبار تاریخی پراکنده، تاریخ‌نگاری‌های اختصاصی ائمه اهل بیت (علیهم‌السلام) را بعد از قرن هفتم رقم زد و پدیده سنیان دوازده امامی به وجود آمد. محتوای این گزارش‌ها علاوه بر ولادت، تاریخ و روز و محل این رویداد، دیربستی امام، غیبت صغری و مدت آن و غیبت کبری و زمان وقوع آن در روزگار خلیفه‌ای خاص از خلفای بنی عباس، نسب نامه وی از نسل امام حسین (علیه‌السلام)، القاب، مسئله نیابت و مدعیان بایبیت به اضافه اطلاع خلفا و عامه مردم از این موضوعات، خاتم ائمه اثنی عشر دانستن امام دوازدهم، نام مادر مولود و تبار رومی وی و... را در بر دارد. از مجموعه این اخبار می‌توان تاریخی از زندگی امام دوازدهم به تصویر کشید که نزدیک به قرائت شیعه امامیه است.

دو اثر تاریخی مربوط به دوران غیبت صغری در باره میلاد امام دوازدهم

در این زمینه علی بن حسین بن علی مسعودی (متوفای ۳۴۵ق) در *مروج الذهب* (تاریخ عمومی) (مسعودی، ۱۴۲۵ق: ج ۴، ۱۶۰) و ابونصر سهل بن عبدالله بخاری زیدی (متوفای بعد از ۳۴۱ق) در *سلسلة العلویه* (تبارشناسی) (سهل بن عبدالله بخاری، ۱۳۸۹ش: ۷۳) در رابطه با میلاد امام دوازدهم به ارائه شواهد تاریخی پرداخته‌اند.

آثار تاریخی دوران غیبت کبری در باره میلاد امام دوازدهم

از منابع مختلف این دوران آثار زیر به چشم می‌آیند:
- ابن شادی در *مجملة التواریخ و القصص* (نگاشته حدود سال ۵۲۰ق) (تاریخ عمومی مختصر فارسی) (ابن شادی، ۱۳۱۷ش: ۴۵۸)؛

- عمادالدین اصفهانی (متوفای ۵۹۷ق) در *البستان الجامع* (تاریخ عمومی) (عمادالدین، ۱۴۲۳ق: ۱۹۰-۱۹۱)؛
- فخر رازی (متوفای ۶۰۶ق) در *الشجرة المباركة فی أنساب الطالبيه* (تبارشناسی) (الرازی، ۱۴۰۹ق: ۹۲)؛
- یاقوت بن عبدالله حموی (متوفای ۶۲۶ق) در *معجم البلدان* (فرهنگنامه جغرافیایی - تاریخی) (یاقوت حموی، ۱۳۹۹ق: ج ۴، ۱۲۳)؛
- ابن اثیر (متوفای ۶۳۰ق) در *الکامل فی التاریخ* (تاریخ عمومی سالشمار) (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق: ج ۷، ۲۷۴)؛
- سبط بن جوزی (متوفای ۶۵۴ق) در *تذکرة الخواص* (شرح حال نگاری - تراجم) (سبط الجوزی، بی تا: ۳۶۳-۳۶۵)؛
- شمس الدین ابن خلکان (متوفای ۶۸۱ق) در *وفیات الأعیان وانباء أبناء الزمان* (فرهنگ نامه تاریخی) (ابن خلکان، ۱۹۷۱م: ج ۲، ۹۴؛ ج ۴، ۱۷۶؛ ج ۲، ۱۵۵-۱۵۶)؛
- داود بن تاج الدین ابوالفضل محمد بن بناکتی (متوفای ۷۳۰ق) در *تاریخ بناکتی* (تاریخ عمومی مختصر فارسی) (بناکتی، ۱۳۴۸ش: ۱۱۶-۱۱۷)؛
- عمادالدین ابی الفداء (متوفای ۷۳۲ق) در *المختصر فی أخبار البشر* (تاریخ عمومی مختصر) (ابوالفداء، ۱۳۲۵ق: ج ۲، ۴۵)؛
- حمدالله مستوفی (متوفای ۷۵۰ق) در *تاریخ گزیده* (تاریخ عمومی مختصر فارسی) (مستوفی، بی تا: ۲۰۶-۲۰۷)؛
- شمس الدین محمد بن احمد ذهبی (متوفای ۷۴۸ق) در *تاریخ الاسلام* (تاریخ نگاری عمومی و شرح حال نگاری برحسب طبقات) (ذهبی، ۱۴۱۲ق: ج ۱۹، ۱۱۳؛ ج ۲۰: ۱۶۰-۱۶۱)؛
- ذهبی در *سیر اعلام النبلاء* (تاریخ نگاری عمومی و شرح حال نگاری برحسب طبقات و به صورت الفبایی) (ذهبی، ۱۴۰۵ق: ج ۱۳، ۱۱۹-۱۲۰)؛
- ذهبی در *العبر خلاصه تاریخ الاسلام* (ذهبی، ۱۴۰۵ق: ج ۱، ۳۸۱)؛
- زین الدین ابن الوردی (متوفای ۷۴۹ق) در *تاریخ ابن الوردی* (تاریخ عمومی مختصر) (ابن الوردی، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ۲۲۳)؛
- صلاح الدین الصفدی (متوفای ۷۶۴ق) در *الوافی بالوفیات* (فرهنگ نامه تاریخی) (الصفدی، ۱۴۲۰ق: ج ۲، ۲۴۹-۲۵۰)؛
- عبدالرحمن ابن خلدون (متوفای ۸۰۸ق) در *تاریخ ابن خلدون* (تاریخ عمومی) (ابن خلدون،

۱۹۷۱م: ج ۵، ۱۱۵)؛

- ابن حجر عسقلانی شافعی (متوفای ۸۵۲ق) در *لسان المیزان* (در علم رجال) (ابن حجر، ۱۳۹۰ق: ج ۲، ۱۱۹)؛

- محمد بن خاوند شاه (متوفای ۹۰۳ق) در *روضه الصفا فی سیره الانبیاء و الملوك و الخلفاء* (تاریخ عمومی فارسی) (جعفریان، ۱۳۹۳ش)؛

- شمس الدین محمد بن طولون دمشقی حنفی (متوفای ۹۵۳ق) در *الائمة الاثنی عشر* (کتاب اختصاصی تاریخ ائمه) (ابن طولون، ۱۹۲۰م: ۱۱۷-۱۱۸)؛

- أحمد بن یوسف قرمانی حنفی (متوفای ۱۰۱۹ق) در *أخبار الدول* (تاریخ عمومی سال شمار) (قرمانی، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ۳۵۳-۳۵۴)؛

- شهاب الدین ابی فلاح ابن العماد الحنبلی (متوفای ۱۰۸۹ق) در *شذرات الذهب* (سال شمار مختصر حدیثی - خبری تاریخ اسلام) (ابن عماد حنبلی، ۱۴۰۶ق: ج ۳، ۲۶۵؛ ج ۳، ۲۸۲)؛

- عبد الملك بن حسین عصامی مکی شافعی (متوفای ۱۱۱۱ق) در *سمط النجوم العوالی* (تاریخ عمومی) (العصامی، ۱۴۱۹ق: ج ۴، ۱۴۹-۱۵۰)؛

- عبدالله الشبراوی الشافعی (متوفای ۱۱۷۲ق) در *الإنحاف بحب الأشراف* (کتاب اختصاصی تاریخ پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام) (الشبراوی، ۱۴۲۳ق: ۳۶۹-۳۷۲)؛

- خیرالدین الزرکلی (متوفای ۱۴۱۰ق) در *الاعلام* (سرگذشت نامه) (زرکلی، ۱۹۸۹م: ج ۶، ۸۰)؛
- شریف أنس الحسنی الکتبی (معاصر) در *الاصول فی ذریة البضعة البتول* (تبارشناسی) (الکتبی، أنس الحسنی: ۱۴۲۰ق: ۹۸).

بازار معارف مهدویت با حدود دوازده قرن نگارش علمی در ابعاد مختلف وجودی امام دوازدهم که گروهی از اهل سنت هم در آن غرفه دارند؛ نوعی عقلانیت است. تصدیقی فراگیر در پهنه خود که منجر به صدق زایی از جنبه خلق آثار مکتوب شده و فرهنگ کهنی را در این رابطه به وجود آورده است. براساس باور جدید پیشران در پهنه نظریه صدق نمی توان این ره آورد عقلا را نادیده گرفت، لذا روحیه علمی اقتضا دارد تا پیشران با نگاهی به پیشینه اندیشه ورزی خود در اظهار نظرهای قبلی خود حداقل در مورد امام دوازدهم شیعیان تجدید نظر نماید.

ب) کاریزما، کسب معرفت و نقد انکار میلاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف براساس نظریه بازگانی صدق
براساس ادعای جدید پیشران در وادی حقیقت یابی عمده قانع شدن است و در این راه

هدف وسیله را توجیه می‌کند. به عبارت دیگر از راهی که فردی قانع بشود صدق همان است. این اقناع می‌تواند از راه‌های هم‌عرض چون برهان، جدل، تمثیل و یا حتی یک بیت شعر حاصل شود. به نظر پیشران البته با بهره‌گیری از اندیشه فوکو، قدرت هم مولد صدق است. حتی کاریزما (آقا فرموده‌اند) و خرافات نیز که هر دو از جنس قدرت هستند، برای کسب معرفت کافی می‌باشند.

آیا از نظر پیشران کاریزمای دانشمندی چون خواجه نصیرالدین طوسی که حکما او را عقل حادی عشر نامیده‌اند در حد "آقا فرموده‌اند"، نیست! خواجه در وجوب نصب امام برآن است که: "و وجوده لطف و تصرفه لطف آخر و غیبتة منا" (خواجه نصیر، ۱۴۰۷ق: ۲۲۱).

کاریزمای ملاصدرا از نظر پیشران در چه حدی است؟ وی در شرح اصول کافی دلایل فراوان عقلی بر لزوم حجت اقامه می‌کند و او را امام دوازدهم از ائمه اهل بیت و یازدهمین مولود نسل فاطمه علیها السلام می‌داند:

... و هذا برهان قطعی علی ضرورة وجود امام يظهر دين الحق علی الدين كله و یقیم دولة عالمية علی اسس الشريعة الاسلامیة، كما دلت علیه من الكتاب آیات و من السنة و الحديث اخبار متواترة من الفريقین و من العقل ما اشیر إلیه بالاختصار و ما لم نشر إلیه خوفا من الاطناب المنافی لوضع المقدمة و ذلك الامام مهدی هذه الامة علیها السلام و الثاني عشر من ائمة اهل البيت و الحادی عشر من ولد فاطمة علیها السلام و ذریة رسول الله المعصومین به یملأ الله الارض قسطا و عدلا بعد ما ملئت ظلما و جورا... (ملاصدرا، ۱۳۸۳ش: ج ۱، ۹۸).

پیشران کاریزمای میرداماد و میرفندرسک و... را چطور ارزیابی می‌کند؟!

نتیجه‌گیری

فرو کاستن مسئله وجود امام دوازدهم به ایمان صرف در برابر جایگاه علمی و عقلی آن، نادیده گرفتن تعالیم قرآن و سنت پیامبر خاتم و تلاش‌های علمی مورخان و دانشمندان شیعه و سنی بر آن اساس است.

قربانی اصلی نظریه بازگانی صدق در اندیشه پیشران جریان روشنفکری دینی که متأثر از رویکرد پسامدرن در اندیشه غرب می‌باشد، هویت "من عاقل" است. با این نظر می‌توان بر فاشیسم صحه گذاشت، چون صدق تابع تصدیق است و حقیقت اعتباری و توافقی است، قدرت مولد صدق است و کاریزما حقیقت‌آفرین است.

گرچه پیشران با ارائه نظریه بازگانی صدق خط بطلانی بر بسیاری از نوشته‌ها و اظهارنظرهای قبلی خود می‌کشد، اما شایسته است که به عنوان یک اندیشمند

مسئولیت شناس اظهارنظرهای قبلی خود در حوزه‌های مختلف را اصلاح نماید. از نیمه دوم قرن سوم هجری تاکنون، آثار فراوانی توسط دانشمندان شیعه و سنی در رابطه با امام دوازدهم تألیف یا ترجمه شده است. در این بررسی فقط در حوزه تاریخ و علوم مربوط به آن ۲۹ اثر معرفی شد. آیا این بازار معرفت با حدود دوازده قرن نگارش علمی در حوزه مهدویت و ابعاد وجودی امام دوازدهم که گروهی از اهل سنت هم در آن غرقه دارند؛ عقلانیت نیست. این بازار معرفت به فرهنگی کهن تبدیل شده که نمی‌توان آن را انکار کرد. براساس نظریه بازرگانی صدق هر راهی که فردی را قانع کند صدق زاست. در این میان حتی کاریزما برای کسب معرفت کافی تلقی می‌شود. دانشمندان بزرگی در جهان اسلام که کاریزمایی جهانی دارند با دلائل عقلی و نقلی به اثبات وجود امام دوازدهم پرداخته‌اند.

منابع

۱. ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۵ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارصادر.
۲. ابن الوردی، عمر بن مظفر زین الدین (۱۴۱۷ق)، *تاریخ ابن الوردی*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب اسلامی، دوم.
۴. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۳۹۰ق)، *لسان المیزان*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۵. ابن خلدون (۱۹۷۱م)، *تاریخ ابن خلدون - العبر و دیوان المبتدا و الخبر فی آیام العرب و العجم و البربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۶. ابن خلکان، احمد بن محمد (۱۹۷۱م)، *وفیات الأعیان و انباء أبناء الزمان*، بیروت: دار صادر.
۷. ابن شادی (۱۳۱۷ش)، *مجمل التواریخ و القصص*، تهران: کلاله خاور.
۸. ابن طولون، محمد بن علی (۱۹۲۰م)، *الأئمة الاثنی عشر*، قم: الرضی.
۹. ابن عماد، عبدالحی بن احمد (۱۴۰۶ق)، *شذرات الذهب فی اخبار من ذهب*، بیروت: دار ابن کثیر.
۱۰. ابی الفداء، اسماعیل بن علی (۱۳۲۵ق)، *المختصر فی أخبار البشر*، مصر: الحسینیة.
۱۱. استنفورد، مایکل (۱۳۹۶ش)، *درآمدی بر فلسفه تاریخ*، ترجمه: احمد گل محمدی، تهران: نشر نی.

۱۲. بازرگان، مهدی (بی تا)، *پیروزی حتمی در حکومت جهانی*، تهران: جهان آرا.
۱۳. البخاری، سهل بن عبدالله (۱۳۸۹ ش)، *سلسلة العلویه*، قم: مكتبة آية الله المرعشی النجفی.
۱۴. بناکتی، ابوالفضل محمد (۱۳۴۸ ش)، *روضة اولی الالباب فی معرفة التواریخ والانساب*، تهران: سلسلة انتشارات انجمن آثار ملی.
۱۵. پنبه‌پز، زهرا (۱۴۰۰ ش)، *نقد دیدگاه روشنفکران شیعی معاصر در باره ویژگی‌های امام مهدی با تاکید بر آیات و روایات*، تهران: موعود.
۱۶. تفتازانی، سعدالدین الدین مسعود بن عمر بن عبدالله (۱۴۰۹ ق)، *شرح المقاصد تفتازانی*، مقدمه و تحقیق و تعلیق: دکتر عبدالرحمن عمیره، قم: الشریف الرضی، اول.
۱۷. جعفریان، رسول (۱۳۹۳ ش)، *مورخی که تاریخ اسلام را همزمان برای شیعیان و سنیان می‌نگاشت*، خبر آنلاین، کد خبر ۳۷۳۷۴۰ و فریم ۱۳۵.
۱۸. حجاج نیشابوری، مسلم بن (۱۳۷۴ ش)، *صحیح مسلم*، محقق: محمد فواد عبدالباقی، بیروت: دار احیا التراث العربی.
۱۹. ذهبی، شمس الدین (۱۴۰۵ ق)، *العیر فی خبر من غیر*، بیروت: دارالکتب علمیه.
۲۰. ذهبی، شمس الدین (۱۴۰۵ ق)، *سیر اعلام النبلاء*، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۲۱. ذهبی، شمس الدین (۱۴۱۲ ق)، *تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام*، بیروت: دارالکتب عربی.
۲۲. زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۹ م)، *الأعلام: قاموس تراجم لأشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربین و المستشرقین*، بیروت: دارالعلم للملایین.
۲۳. سبط الجوزی (بی تا)، *تذکرة الخواص*، تهران: مكتبة نینوی الحدیثة ناصر خسرو مروی.
۲۴. سروش، عبدالکریم (۱۳ می ۲۰۱۷ م)، «سخنرانی سلوک دیندارانه مدرن جلسه ۲۰»، تلگرام رسمی دکتر عبدالکریم سروش، @DrSoroush ب.
۲۵. سروش، عبدالکریم (۱۵ جون ۲۰۱۷ م)، «سخنرانی: از دید من برندگان این عالم عارفان بودند»، تلگرام رسمی دکتر عبدالکریم سروش، @DrSoroush د.
۲۶. سروش، عبدالکریم (۱۶ مارس ۲۰۱۶ م)، «دیدگاه (۲): سه نوع دینداری»، تلگرام رسمی دکتر عبدالکریم سروش، @DrSoroush الف.

۲۷. سروش، عبدالکریم (۱۷ دسامبر ۲۰۱۶م)، «سخنرانی سلوک دیندارانه مدرن جلسه اول»، تلگرام رسمی دکتر عبدالکریم سروش، @DrSoroush الف.
۲۸. سروش، عبدالکریم (۱۹ اکتبر ۲۰۱۸م)، «سخنرانی سلوک دیندارانه در جهان مدرن، ج ۴۰»، تلگرام رسمی دکتر عبدالکریم سروش، @DrSoroush ب.
۲۹. سروش، عبدالکریم (۲۱ می ۲۰۱۶م)، «سخنرانی اقبال و مهدویت، دانشگاه جرج واشنگتن امریکا، ۲۳ ژوئن ۲۰۱۳»، تلگرام رسمی دکتر عبدالکریم سروش، @DrSoroush ب.
۳۰. سروش، عبدالکریم (۲۴ مارس ۲۰۱۶م)، «پرسش رضا»، تلگرام رسمی دکتر عبدالکریم سروش، @DrSoroush ج.
۳۱. سروش، عبدالکریم (۲۸ ژانویه ۲۰۲۳م)، «اندر باب حقیقت و روش»، کلاب هاوس دیدگاه نو، @didgahenochannel الف.
۳۲. سروش، عبدالکریم (۳ نوامبر ۲۰۱۸م)، «سخنرانی داروین‌یسم در ترازو»، تلگرام رسمی دکتر عبدالکریم سروش، @DrSoroush الف.
۳۳. سروش، عبدالکریم (۳۰ آوریل ۲۰۱۷م)، «سخنرانی سلوک دیندارانه مدرن جلسه ۱۸»، تلگرام رسمی دکتر عبدالکریم سروش، @DrSoroush ج.
۳۴. سروش، عبدالکریم (۴ مارس ۲۰۲۳م)، «اندر باب حقیقت و روش»، تلگرام دیدگاه نو، @didgahenochannel ب.
۳۵. سروش، عبدالکریم (۵ می ۲۰۱۷م)، «سخنرانی سلوک دیندارانه مدرن جلسه ۱۹»، تلگرام رسمی دکتر عبدالکریم سروش، @DrSoroush الف.
۳۶. سروش، عبدالکریم (۸ مارس ۲۰۱۹م)، «اندر باب عقل»، تلگرام رسمی دکتر عبدالکریم سروش، DrSoroush.
۳۷. شبرای، عبدالله بن محمد (۱۴۲۳ق)، *الإتحاف بحب الأشراف*، قم: دارالکتاب الاسلامی.
۳۸. شریعتی، علی (۱۳۸۷)، *انتظار مذهب اعتراض*، تهران: نیایشگران وحدت.
۳۹. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۸۰ش)، *منتخب الاثر*، قم: دفتر آیه‌الله العظمی صافی گلپایگانی.
۴۰. الصفدی، صلاح‌الدین خلیل بن ایبک (۱۴۲۰ق)، *الوافی بالوفیات*، بیروت: دار احیاء التراث.
۴۱. عصامی، عبدالملک بن الحسین (۱۴۱۹ق)، *سمط النجوم العوالی فی انباء الاوائل والنوالی*،

- بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۲. عطار نیشابوری، فریدالدین محمد (۱۳۸۸ش)، مصیبت نامه، مصحح و تعلیقات: محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.
۴۳. عمادالدین الاصفهانی، ابوحامد محمد بن محمد (۱۴۲۳ق)، البستان الجامع، بیروت: المكتبة العصرية.
۴۴. فخر رازی (۱۴۰۹ق)، الشجرة المباركة فی أنساب الطالبیة، قم: منشورات مكتبة آية الله العظمی المرعشی النجفی.
۴۵. فقیه ایمانی، مهدی (۱۳۷۶ش)، اصالت مهدویت در اسلام از دیدگاه اهل تسنن، بی جا: سایت بازار کتاب.
۴۶. قاضی زاده، کاظم؛ مختاری، علیرضا (۱۳۸۶ش)، «تحلیلی در باره احادیث غیبت در کتاب الغیبه نعمانی»، علوم حدیث، شماره ۴۵ و ۴۶.
۴۷. قرمانی، احمد بن یوسف (۱۴۱۲ق)، أخبار الدول و آثار الأول فی التاريخ، بیروت: عالم الکتب.
۴۸. الکتبی الحسنی، انس یعقوب (۱۴۲۰ق)، الاصول فی ذریة البضعة البتول، مدینه: دارالمجتبی للنشر و التوزیع.
۴۹. کریمی شهیدی، سیدمهدی؛ سلطانی احمدی، مجتبی (۱۴۰۱ش)، «بررسی و نقد دیدگاه نسل دوم جریان روشنفکری دینی در انکار میلاد امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف با تکیه بر گزاره های تحلیلی فلسفه علم تاریخ»، فصل نامه مشرق موعود، شماره ۶۳.
۵۰. کریمی شهیدی، سیدمهدی؛ سلطانی احمدی، مجتبی (۱۴۰۱ش)، «نقد ادعای عدم وجود ادله تاریخی میلاد امام دوازدهم با محوریت بررسی آثار مورخین عامه»، فصل نامه پژوهش های مهدوی، شماره ۴۲.
۵۱. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، الکافی، مصصح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۲. کمالی، حسین (۲۷ ژانویه ۲۰۲۳م)، کاوش های پرسش محور در شناخت تاریخ، جلسه سوم، تلگرام دیدگاه نو: @didgahenochannel.
۵۳. مستوفی، حمدالله (بی تا)، Tarikhbook.ir گردآوری کننده برای نشر الکترونیک بهمن انصاری، archive.org/details/Tarikhhegozideh/mode/2up.

۵۴. مسعودی، علی بن الحسین (۱۴۲۵ش)، *مروج الذهب*، بیروت: مكتبة العصریه.
۵۵. ملا صدرا (۱۳۸۳ش)، *شرح اصول الكافی*، مصحح: محمد خواجهوی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۵۶. نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد (۱۴۰۷ق)، *تجريد الاعتقاد*، تهران: مكتب الاعلام الاسلامی.
۵۷. یاقوت بن عبدالله الحموی الرومی البغدادی، شهاب الدین ابی عبدالله (۱۳۹۹ق)، *معجم البلدان*، بیروت: دار احیا التراث العربی.

58. Adam Zeidan, 2023, Britannica.com
59. Encyclopedia Britannica: Abdolkarim- Soroush. IRAN, Britannica.com
60. Fascism - By Branch / Doctrine - The Basics of Philosophy
61. From Enciclopedia Italiana (1932), entry Fascism
<https://www.siue.edu/~evailat/i-fascism.html>
62. www.philosophybasics.com › branch_fascism 2008-2023

